

# ترویج سبک زندگی بارویکرد فان

گفت و گو با «مجید خسروانجم»، کارتون‌نویست و ایده‌پرداز ویدئوهای «احکام به زبان ساده» که از سختی‌های ترویج سبک زندگی با زبان سرگرمی می‌گوید

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

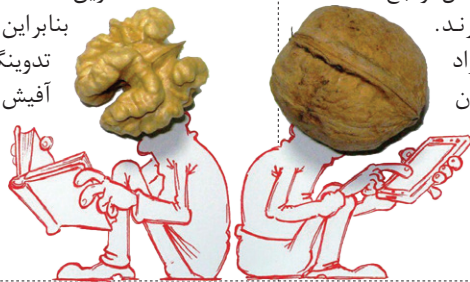
«دروغ رو که همه می‌دونن چه کار زشت و گناه بزرگیه، هر اسمی هم مثل خالی‌بندی، الکی، شوخی و... بذاریم روش، باز چیزی از حرام‌بودنش کم نمی‌کنه»، یکی از چیزهایی که در زندگی شهری خیلی با اون درگیریم، چیه؟ ترافیک، آلودگی هوا و... بله، اینا هم هست ولی این‌بار می‌خواهیم درباره آپارتمان‌نشینی حرف بزنیم... در این بین اگر شارژ‌ندین به خاطر سهمی که از امکانات مشترک ساختمان استفاده می‌کنین، مدیون هستین...، بشو، وصیت‌نامه، با اموال پیدا شده چه کنیم؟ و... موضوعاتی هستند که هر روز چندین بار دروید توهایی یک دقیقه‌ای از شبکه ۳ پخش می‌شوند. ویدئوهایی سرگرم‌کننده که با ارائه‌ای متفاوت، مورد توجه و استقبال هم قرار گرفته‌است. به همین بهانه به سراغ «مجید خسروانجم»، کارتون‌نویست و ایده‌پرداز اصلی این ماجرا رفتیم تا برای ما از این سبک جالب آموزش احکام، فرهنگ‌سازی، ترویج سبک زندگی صحیح یا شوخی و سرگرمی بگوید و این که چهره‌والی برای ساخت آن‌ها طی شده‌است؟

## نوع این ویدئوها، رثال‌مونشن است

خسروانجم در ابتدای گفت‌وگو درباره این ویدئوها اظهار می‌کند: «من نزدیک پنج سال است که در حوزه رثال‌مونشن به همراه چند نفر از دوستان تدوینگر، تصویربرداری و... مشغول فعالیت هستم. از یک سال پیش، امور مذهبی و شرعی را به صورت رثال‌مونشن کار می‌کنم و نوع این ویدئوهایی که از شبکه ۳ پخش می‌شود، رثال‌مونشن است. علاوه بر کشیدن کارتونه‌ها، ایده‌پرداز اصلی این کار هم خودم هستم. البته به‌طور کلی با «ابوالفضل باقری» دوتایی با هم کار می‌کنیم. تدوین، میزآهنگ و تصویربرداری با ابوالفضل باقری است، ایده‌پرداز می‌توانی هم تقریباً با هر دوتایمان و اجرا هم با من است.»

## ساخت هر رثال‌مونشن یک دقیقه‌ای، یک هفته طول می‌کشد

از او درباره نحوه ساخت این ویدئوها هم می‌پرسیم که چه مراحل برای تولید هر کدامشان اتفاق می‌افتد و تقریباً چقدر زمان می‌برد؟ خسروانجم این‌طور پاسخ می‌دهد: «ابتدا یک سری داده برای تولید محتوای آید، مثلاً ما می‌خواهیم در یک دقیقه، درباره دروغ‌مصلحتی ویدئوسازیم. تمام این داده‌ها باید به یک متن یک دقیقه‌ای تبدیل و سپس ایده‌رثال‌مونشن روی متن بررسی شود. در مرحله بعد، برای هر جمله باید یک میزآهنگ طراحی و چیده شود. بعد آکسسوار (وسایل و اثاثیه‌ای که در صحنه و دکور از آن استفاده می‌شود) در صورت نیاز برای آن خریده می‌شود. بعدش هم یک سری کارهای طراحی مثل دوربری و... انجام می‌شود، آتود زده می‌شود و می‌رویم برای ضبط. همان‌طور که متوجه شدید، دوربین در بالا قرار می‌گیرد، من و ابوالفضل در تمام این مراحل حتی در دقیقه ۹۰ موقع ضبط، گاهی متن یا میزآهنگ را عوض می‌کنیم، چندین بار عوض می‌کنیم، دوباره خروجی کار را می‌بینیم تا اگر حالت دیگری با نمک‌تر است، آن را انتخاب کنیم. پلان‌ها به ترتیب ضبط می‌شود و سپس در مرحله تدوین، صداگذاری توسط نریتور انجام می‌شود. بنا بر این کارگردان، نویسنده، فیلم‌بردار، تدوینگر، نریتور و یک نفر مدیر تولید برای آفیش و هماهنگی این مجموعه، مشغول کار هستند. هر ایتما از ابتدا تا آخر، از چهار روز تا یک هفته طول می‌کشد و برای بالا رفتن سرعت، گاهی تا سه‌مور در آن‌ها هم پیش می‌بریم.»



## مشکل اصلی برای فرهنگ‌سازی، توضیح رفتار اشتباه توسط افراد است

از او می‌پرسیم نظر شما درباره تولید محتوا با رویکرد سرگرمی و شوخی برای فرهنگ‌سازی در حوزه سبک زندگی چیست که این‌طور پاسخ می‌دهد: «من یک نظر بی‌رحمانه دارم. آیا تا حالا برای شما پیش آمده که در یک جمعی، به یک نفر بگویید که غیبت نکن و بپذیرد داشته غیبت می‌کرده و رفتارش را اصلاح کند؟ من ندیدم تا حالا. چون هر کسی که غیبت می‌کند، یا می‌گوید داشتم صفت فلانی را می‌گفتم یا می‌گفتم در یک خبری درباره فلانی می‌دهم یا می‌گوید این موضوع را همه خبر دارند یا هم می‌گویند بروول مان کن یا با یک قدم آن طرف‌تر از این‌هم هست که می‌گویند، آره بابا، تو خوبی! می‌خواهم بگویم که بالاخره به یک شیوه‌ای رفتار اشتباه‌شان را توجیه می‌کنند و این مشکل اصلی در راه فرهنگ‌سازی است. با مثلاً مادر جامعه‌مان تعدادی شکست‌خورده عشقی داریم که در حق همه‌شان نامردی شده‌است. این نامردها کجاها هستند، معلوم نیست!

می‌خواهم بگویم در برابر منکرها، اتفاقات بد زندگی، ماهمه قربانی هستیم، مادمیده‌ماجرانستیم. من آدمی را می‌شناختم که به شدت منتقد به فلان شهردار بود که بچه‌هایش را سر گذاشته بود. یک‌روز آمد به من گفت که این کسب و کار من را در صفحات تبلیغ کن. گفتم باشد ولی از تو مستحق‌تر و بهتر در این حوزه هست اگر بخواهم تبلیغ چنین کاری را بکنم. گفت یعنی نمی‌خواهی رابطه فامیلی ما را در نظر بگیری؟ خلاصه این که در حوزه مدنیت، زندگی اجتماعی، رفتارهای اخلاقی، سبک زندگی و... کار فرهنگ‌سازی خیلی سخت‌است چون هیچ فردی نمی‌پذیرد که مخاطب این حرف‌ها، اوست.»

## بابت این ویدئوها، دستمزدی نمی‌گیریم

از این کارتون‌نویست خوش‌ذوق درباره هزینه‌های ساخت چنین ویدئوهایی و درآمدش از این کار می‌پرسیم که می‌گوید: «هزینه‌هایش بستگی به عوامل زیادی مانند تعداد پلان‌ها، نیاز به آکسسوار و... دارد. وسیله‌ای داشتیم که برای ساخت یک ویدئو یک ثانیه از آن استفاده کرده‌ایم و بعدش از کادربرون رفته‌ام همان شده بود یک میلیون تومان. به جز این‌ها، بقیه هزینه ساخت مربوط به دستمزدهاست. برای همین هزینه‌های خیلی متفاوت است. اما درباره این کاری که برای شبکه ۳ تولید می‌کنیم، بودجه‌ای که به ما می‌دهند تقریباً با هزینه‌های جانبی برابر می‌آید و بچه‌ها هیچ دستمزدی دریافت نمی‌کنند. تا امروز، تقریباً ۴۰ قسمت پخش شده و الان هم مشغول ضبط ۸ یا ۹ قسمت آخر آن هستیم. قرار ما با شبکه، ضبط ۵۰ ایتیم بوده‌است.»



## واکنش‌های مثبت زیادی به این

## ویدئوها دیدم

از او درباره واکنش مخاطبان به این ویدئوها و به‌طور کلی این سبک از فرهنگ‌سازی می‌پرسیم که می‌گوید: «خدارا شکر، واکنش مثبت زیادی داشتیم. من حداقل در شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های زیادی داشتم که ما فلان حکم فقهی را نمی‌دانستیم و باید این بر نامه یاد گرفتیم؟ یا مثلاً والدین پیام می‌دهند که به محض شروع این برنامه، توجه بچه‌هایشان به تلویزیون جلب می‌شود و از کودکی با احکام آشنا می‌شوند، این که احکام را از کودکی هم درست یاد بگیرد و هم از یک منبع معتبر، این دستاورد بسیار خوبی است. این جا معلوم می‌شود که به لحاظ رسانه‌ای، این ویدئوها جذاب بوده و توجه مخاطب را به خودش جلب کرده‌است.»

## از ترویج سبک زندگی با رویکردی

## سرگرم‌کننده کیف می‌کنم



او در پایان می‌خواهد از احساس خودش درباره این کار بگوید و چند جمله‌ای را هم با مردم در میان بگذارد: «من مکلف به تلاش هستم. این که بعضی‌ها از این رثال‌مونشن‌ها تعریف می‌کنند، لذت می‌برم و امیدوارم که این نوع ارائه برای مطالب حوزه سبک زندگی با رویکرد سرگرمی و شوخی، تاثیرگذار باشد و خودم از این کار کیف می‌کنم. اما این را هم باید بگویم ما مخاطبی در ایران داریم که به دلیل تاثیر رسانه‌هایی که کارشان را خوب بلدند، دوتا اتفاق برای‌شان افتاده‌است. اول این که اعتماد به نفس فردی بسیار بالایی دارند، کار خاصی هم بلد نیستند اما حق خودشان می‌دانند که در یکی از بهترین شهرهای جهان زندگی کنند. دومی‌ها در مقابل این دسته هستند، اعتماد به نفس اجتماعی بسیار پایینی دارند، یعنی می‌گویند ما اصلاً نمی‌توانیم، هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم، هرگز نمی‌توانیم موفق شویم و پیشرفت کنیم. از این میم‌ها هم در شبکه‌های اجتماعی زیادی می‌بینیم که تفریحات ما، تفریحات آن‌ها، مجری ما، مجری آن‌ها، ماشین ما، ماشین آن‌ها و... این دوتا با هم در جامعه ماتی‌کب شده و شرایط عجیبی را به وجود آورده‌است. من یکی از دغدغه‌هایم برای فرهنگ‌سازی همیشه با دانشجو‌ها و دانش‌آموزانم همین است که ابتدا یک آینه بگذارم جلوی‌شان تا به آن‌ها بگویم که ببینید دقیقاً کجا هستید، یک نگاهی به پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هم بیندازید. این که ما در قعر جهان هستیم، اصلاً نکته درستی نیست. حالا شما فکر کنید در چنین شرایطی بخواهید دستور العمل اجتماعی و سبک زندگی و درست زندگی کردن بدهید. مثلاً در بحث زباله ریختن در کف خیابان، آیا مسئولان هستند که این کار را می‌کنند؟ طبیعتاً من و شما هستیم که این کار را می‌کنیم. گاهی من و تو هستیم که رشوه می‌گیریم بنابر این یک آن‌هایی در دست کردیم و همه مشکلات کوچک و درشت را به پای همان‌ها می‌اندازیم. این اصلاً درست نیست و باعث می‌شود که فرهنگ‌سازی در کشور بی‌ثمر یا خیلی سخت شود.»



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۰

۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۲۶ ژانویه ۲۰۲۲

شماره ۲۰۸۶۲

۲۰۸۲

## «والز»، سنتی برای استادکار شدن

## در اروپا

جوانان اروپایی بعد از یادگیری حرفه‌هایی مثل نجاری، آهنگری، خیاطی و... برای رسیدن به درجه‌استادی باید با لباس و عصایی مخصوص ترک دیار کنند، ماجرا چیست؟

نجات شکوندی | روزنامه‌نگار



در روزگاری که ارتباطات محدود مانع از گسترش حرفه‌ها و مهارت‌های شغلی می‌شد، سنتی عام‌المنفعه به نام «والز» در سرتاسر اروپا شکل گرفت که از طریق آن صنف‌های مختلف به تبادل کار و تجربه پرداختند. هر چند در لغت‌فارسی این کلمه به دوره‌گرد معنا می‌شود، اما در عمل تفاوتی از زمین تا آسمان با آن دارد. بدین نحو که پیشه‌ورزان در مناطق آلمانی‌زبان در قرون وسطی، مدت‌ها قبل از ظهور اولین اتحادیه‌های صنعتی و جنبش‌های

کارگری در قرن نوزدهم، شروع به سازمان‌دهی خود در اصناف و شرکت‌های تولیدی کردند. آن‌ها با پیروی از چیزی شبیه فتوت‌نامه، در صدد کسب و انتقال تجربه زندگی حرفه‌ای به آدم‌ها و مناطق مختلف برآمدند. این سنت رایج در اروپا به خصوص آلمان مختص جوان‌هایی است که در یکی از مهارت‌های حرفه‌ای مثل بنایی، نجاری، آهنگری، زرگری، خیاطی، نانواپی و... کارآموزی می‌کنند و پس از موفقیت در امتحان پایانی برای رسیدن به درجه‌استادی باید با لباس و عصای مخصوصی ترک دیار کنند. نقل است که در قرن ۱۵ میلادی این سفر برای استادکار شدن اجباری بوده و حتی گاهی تا ۱۲ سال طول کشیده‌است. در مینی‌پرورده امروز زندگی سلام، بیشتر با این سنت متفاوت آشنا خواهید شد.

### آداب و رسوم انجام این سنت

هر پیشه‌ور شب قبل از حرکت از خانه، به‌طور سنتی یک مهمانی را برای خداحافظی با خانواده و دوستان برگزار می‌کند. در طول این شب، سوراخی در لاله گوش او ایجاد و گوشواره مخصوصی در آن گذاشته می‌شود و هر فردی هم ملزم است تا پایان سفر آن را بر گوش داشته باشد. طبق رسوم، مردم آلمان بر این باورند که هر کس قوانین سفر را زیر پا بگذارد، گوشواره‌اش پاره‌و آن فرد به گوش شکاف معروف می‌شود، اصطلاحی که مدت‌هاست در زبان آلمانی برای کلاهبردار استفاده می‌شود. صبح‌روز بعد از مهمانی، فرد یک یادگاری با ارزش را در نزدیکی زادگاهش دفن و سپس از تابلوی محدوده شهر خود عبور می‌کند.

### سفری با قوانین سخت‌گیرانه



این سنت که در طول سال‌های نازی ممنوع و بعد تحت رژیم کمونیستی در آلمان شرقی قابل اجرا نبود، در حال احیای مجدد است. هم‌اینک هفت انجمن «برادری» صنفی فقط در آلمان فعال است تا جوانان تازه‌کار را برای این سفر هیجان‌انگیز حمایت کند. سفر این افراد که در زبان آلمانی به Gesellen معروف‌اند، قوانین سخت‌گیرانه مربوط به خود دارد، قوانینی که در آن فرد باید مجرد، بدون فرزند، بدون بدهی، زیر ۳۰ سال، بدون محکومیت قبلی، بدون استفاده از فناوری یا هر گونه وسایل حمل و نقل باشد. همچنین این افراد اجازه ندارند نزدیک‌تر از ۵۰ کیلومتری شهر خود هم باشند.

### بیکار بودن بیش از یک هفته، ممنوع

این سفر سه‌ساله و یک‌روزه این گونه است که این افراد هر جایی می‌توانند بروند و با یکی از مهارت‌های حرفه‌ای مثل بنایی، نجاری، آهنگری، زرگری، خیاطی، نانواپی و... کارآموزی کنند. این افراد روزانه ملزم هستند شش ساعت کار کنند، مثلاً طی مسیر یا کار موقت در کافه‌ها و مهمانخانه‌ها یا مزرعه‌ها و کارگاه‌ها روزگاری می‌گذرانند. این افراد نباید بیش از یک هفته بدون کار بمانند و نباید بیش از شش ماه در یک مکان سپری کنند. در بیشتر اوقات، مردم با دادن جای خواب و غذا از این گونه افراد حمایت می‌کنند. با این حال بعد از پایان این سنت و برگشتن به خانه، این افراد موظف‌اند به پاس حمایت و همراهی مردم در طول سفرشان هر ساله در کارهای عام‌المنفعه‌ای که صنف مختص به خودشان انجام می‌دهد، از جمله ساخت درهای یک مدرسه یا ساقف یک مهد کودک و... شرکت کنند.

### لباس‌های نمادین و پیام‌هایش

لباس‌های این افراد هم بر اساس این که مربوط به کدام انجمن و صنف هستند، تفاوت‌های ظریف و نمادینی دارد ولی به‌طور کلی پوشیدن این لباس در ملاءعام الزامی و نوعی آگهی برای حرفه آن‌ها محسوب می‌شود. همچنین علامت همبستگی و پابندی به سنت کار صنفی در فرهنگ اروپایی به حساب می‌آید. هشت‌دکمه‌روی جلیقه برای ساعات کاری در روز و شش‌دکمه‌روی کت نشان‌دهنده شش‌روز کاری در هفته است. رنگ لباس هر کدام از این افراد، بیانگر حیطه حرفه‌ای آن‌هاست؛ بدین نحو که رنگ مشکی مربوط به نجاری، رنگ قرمز برای نقاش‌ها، رنگ آبی برای آهنگری و طوسی برای سنگ‌بری است. این لباس همچنین شامل یک کلاه، معروف به Deckel (به معنای پوشش و یک عصاست که هر فرد خودش آن را می‌سازد).

### تاثیرات کروناروی والز

در سال ۲۰۱۴، والز در فهرست میراث فرهنگی غیرمادی یونسکو ثبت و اهمیت فرهنگی یادار و جایگاه منحصر به فرد آن در سراسر جهان بر همگان روشن شد. بعد از همه‌گیری کووید ۱۹، نهاد اروپایی که بر دوره‌های سفرهای حرفه‌ای نظارت می‌کند دستور العمل‌هایی را برای این اعضا صادر کرد تا این افراد علاوه بر قوانین سخت‌گیرانه قبلی، مجبور به رعایت قوانین و محدودیت‌های کرونایی هم باشند و این سنت همچنان ادامه دارد.

منبع: www.planet-wissen.de